

الخراسانی محل مهر (محمد کاظم)

دستخط دیگر ایضاً از عکس برداشته :

بسم الله الرحمن الرحيم - به عموم برادران دینی و عدالت خواهان ایران ایدهم الله تعالی اظهار می شود چون در اوائل هدم مجلس، و غصب حقوق ملت ایران، اهالی آذربایجان، قیام به حفظ حقوق خود نموده، در مقام دفاع ظالمین بر آمده، و این داعیان، قائم بودن انجمن ایالتی تبریز را مقام پارلمان ایران، پیشنهاد تمام دول و ملل عالم نموده، امروزه که انقلاب و اغتشاش، اغلب نقاط ایران را فرا گرفته، حفظ و بقاء دین اسلام، موقوف به اتحاد کلمه مسلمین و وحدت مقصود آنها است، اختلاف کلمه و تعدد غرض، کم کم منجر به رخنه اجانب و اضمحلال اسلام است، علی هذا واجب بر تمام مسلمانان ایران است، که مقصود خود را متحد با مقصود مسلمانان تبریز نموده، به غیر از مطالبه مشروطیت دولت که بقاء اسلام مبنی بر آن است، مطلب دیگری اظهار ننمایند، و به مصدوقه «المؤمنون کتفوا واحده» همگی خود را خادم و حافظ جامعه اسلامی و مشروطیت بدانند، و لایزال به توسط تلکرافات از سیم خارجه، و قاصد های مخفی از حالات همدیگر مطلع باشند، و از همدیگر کسب دستور العمل نموده اجراء نمایند، و خط مستقیم حرکت همدیگر را فهمیده و همه بر آن خط مستقیم متحرک باشند. در صورتی که قلوب مسلمانان با هم متحد و مقصود کل مسلمین، حفظ نسو امیس الهیه شد، یقیناً حرکات آنها مورث فوز عظیم و رضایت خاطر حضرت حجت عصر عجل الله فرجه خواهد گردید. پنجم شهر صفر ۱۳۲۷ (من الاحقر عبدالله مازندانی) (من الاحقر محمد کاظم خراسانی) «قال انی عبدالله» سجع مهر «محمد کاظم» سجع مهر.

عریضة استفتاءیه اهالی آذربایجان به علماء عتبات

بسم الله الرحمن الرحيم - عرضه داشت فدویان ملت آذربایجان به حضور مبارک آقایان عظام . . . حجج اسلام نجف اشرف و کربلائی معلی و کاظمین (ع) و سرمن رای آنکه: شرح خرابی های وارد شده بر تمام مملکت آذربایجان، خاصه شهر تبریز، و مصائب وارده بر ما، و اقدامات بی باکانه بر تلف نفوس و هتک اعراض، و نهب اموالمان، البته اجمالاً به عرض آقایان حجج رسیده، و تمام این مصائب از این رو بر سرمان آمده که به ذهن عساکر دولتی و عشایر خون خوار داده اند، که ما بی نوایان، از دین اسلام، خارج و دماء و اعراض و اموالمان هدر و حلال است. استدعا آنکه محض آنکه زیاده بر این نفوس و اعراض و اموال مسلمین از طرفین تلف نشود و ماها هم از روی دفاع از خودمان

به مقاتله برادران دینی ناچار نباشیم، تکلیف عامه مسلمانان را در اقدام به مقاتله و محاربه ماها معین فرمائید، ادام الله تعالی ظلالکم علی رؤس المسلمین .

جواب علماء اعلام نجف از سؤال اهالی تبریز :

بسم الله تعالی - عموم اهل اسلام بدانند نسبت خروج از دین به برادران ایمانی تبریز دادن ، و اجامر و اوباش را به طمع غارت اموال به جنگ ایشان فرستادن ، به منزله تفرقه بهمین کلمه کفریه از ابن زیاد لعین و اتباع او ، و فرستادن اجامر و اوباش کسوفه به کربلای معلی است . باید مسلمانان از چنین ارتکابات شنیعه، تحرز نموده، خود را به جنود ابن زیاد ملحق ن سازند ، ان شاء الله تعالی . حرره الاحقر عبدالله المازندرانی ، محل مهر مبارك قال انی عبدالله .  
عموم مسلمین ایران ، و تمام عشایر و ایلات ، و همه قراآت و سایر عساکر بدانند رفتن به جنگ برادران ایمانی تبریز ، و اقدام به نهب و غارت هر يك از قری و بلاد آذربایجان ، و سایر بلاد ایران ، بسه منزله موافقت و همراهی با اردوی ابن سعد و ابن زیاد است و اگر کسی خدای نخواستہ اقدامی کند خونتش در مقام مدافعه بدر و حلال است . الاحقر محمد کاظم خراسانی ( محل مهر مبارك ) محمد کاظم .

\*\*\*

احکام مبارکه حجج الاسلام نجف اشرف و کربلای معلی و سامرا ، در وجوب دفاع بر عموم مسلمین از هجوم لشکر شاه ، و حرمت جنگ با مشروطه خواهان تبریز ، بلکه با عموم مشروطه خواهان ایران ، چنانچه تعداد بلاد مشروطه خواهان در عبارت آیه الله آقای صدر دام ظلّه براین معنی صریحاً دلالت می کند :

حجة الاسلاما ادام الله بقاکم ! از شهرهای دور ، رفته با اهل تبریز محاربه نمودن و مدافعه اهل تبریز از هجوم ایشان ، که به قصد قتل نفوس و غارت اموال و حثک اعراض است، شرعاً چه صورت دارد؟ بینوا، اطال الله عمرکم، فی غره شهر صفر ۱۳۲۷ .

بسم الله الرحمن الرحيم - حرمت مقاتله با مسلمین و هتک اعراض ، و نهب اموال آنها از ضروریات دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است ، و جواز دفع آنها بسر تقدیر هجوم ، بلکه وجوب آن نسبت به نفس و عرض از بدیهیات است . حرره الاحقر محمد تقی محل مهر مبارك آقای آقامیرزا محمد تقی شیرازی .

بسم الله الرحمن الرحيم - بدیهی است اهل تبریز ، جز مطالبه حقوق ثلثه مقصدی ندارند ، لزوم مساعدت ایشان و حرمت مهاجمه بر نفوس و اعراض

و اموال ایشان ، از ضروریات اسلامیة و مهاجم مهدورالدم است .

حرره الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی ، محل مهر مبارک .  
بسم الله الرحمن الرحيم - چنین است که مرقوم فرموده اند ، مطالبه حقوق ملیه داشتن ملت تبریز بدیهی ، لزوم مساعدت و حرمت هجوم بر ایشان ، و مهدورالدم بودن هجوم کننده نیز ضروری است .

حرره الاحقر عبدالله المازندرانی محل مهر مبارک و قالانی عبدالله ،  
بسم الله الرحمن الرحيم و به تقنی - چنین است که مرقوم فرموده اند و ظاهر و هویدا است که تفاوتی بین تبریز و کرمان و استرآباد و اصفهان و لار و گیلان نخواهد بود ، والله تعالی هو الموفق للصواب انشا[ع] الله تعالی .  
حرره الاحقر ، ابن صدق الدین الآملی . محل مهر مبارک .

دستخط حجج اسلام عتبات:

عموم ملت ایران ! حکم خدا را اعلام می داریم ، الیوم همت در دفع این سفاک جبار ، و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین ، از اهم واجبات ، و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات و بذل جهد وسیعی بر استقرار مشروطیت ، به منزله جهاد در رکاب امام زمان ، ارواحنا فداء ، و سر موئی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه است ، اعاذ الله المسلمین من ذلك ، انشا[ع] الله تعالی . ( من الاحقر عبدالله المازندرانی - من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی ، من الاحقر نجل الحاج میرزا خلیل ) .

این دستخطی است که سابقاً صادر فرموده اند ، و بعد نسبت ناسخ به آن حجج اسلام دادند که در رفع و دفع این توهم دستخطهای دیگر خطاب به متحصنین در زاویه مقدسه و سفارتخانه صادر فرمودند .

امروز روزنامه ناقور را خواندم ، در نمره ۱۰ به تاریخ دوشنبه ۲۹ صفر ۱۳۲۷ در صفحه ۲ چنین می نویسد ، نقل از جریده مساوات منطبعة تبریز در غره محرم :

تبریز و وضع سیاسی

با آنکه مزاج عموم اهالی ، در این محاصره طولانی ، عادت و خوی جنگی گرفته ، و به واسطه حملات سخت پی در پی و تولید حرارت ناموسی ، عموماً خونها در جوش و سینهها در خروش ، به اندازه [ای] از اعتدال طبیعی خارج ، که جز شلیک توپ و تفنگ و مهاجمه و سنکرگیری هیچ چیزی را نمی شناختند ، و هیچ مهمی را مجال تفکر نداشتند ، مع هذا با یک جدی بلیغ و مجاهدتی فوق التصور ، در اعلاء کلمه حق و اجرای قوانین مشروطیت ، و

تأسیس دواير قانونی ، مطابق با اصول تمدن جدید ، بقدر ذره [ای] غفلت نورزیده ، و فرصت را از دست نداده ، بلکه می‌توان گفت در این مدت قلیل ، و شدت مساعدات ، که بدون اغراق ، عرصه زندگانی و امید بقاء را بر آنان تنگ کرده بود ، چنانچه رشادت و جلالشان<sup>۱</sup> در میدان قتال ، خارج از عادت و محیر العقول بود .

همچنین اقدامات فداکارانه اهل حل و عقد ، و صاحبان فکر و تدبیرشان ، در نشر قوانین مشروطیت و ایجاد قوه مقننه و مجریه ، که مقصد اصلی و منتهای آرزوی ملت است ، می‌توان از جمله خارق‌العادات و فوق‌الطبیعه شمرد . بیشتر از همه چیز آنچه عاشقان ترقی ایران را اطمینان خاطر در وصول به کعبه مقصود و ترقیات عاجله می‌دهد ، و وعده وصل را نزدیک می‌کند ، همانا انتقال افکار عمومی ملت غیور تبریز است ، به يك نکته سیاسی خیلی دقیقی که در عالم تمدن اولین اساس مدنیت و نخستین قدم ترقی و تربیت شناخته می‌شود .

آن نکته سیاسی ، آن روح اساس‌های دنیا ، آن اول قدم تمدن که امروز مورد توجه تام عموم اهالی شد ، و با کمال عجله و شتاب ، در پیشرفت آن اقدام دارند کدام است ؟ تمام مصادر امور از انجمن مقدس و حضرت سردار ، و حضرت سالار ، و مجاهدین و سایر مراکز ، خوش‌بختانه حس نموده‌اند که اداره نمودن يك مملکت امکان نخواهد داشت ، مگر به تجزیه امور و تفکیک قوای مقننه و قضائیه و مجریه [از] همدیگر ، مملکت آذربایجان را نیز ، مطابق و شکل دول متمدنه دنیا باید اداره نمود ، و او را از هم تجزیه کرد ، دوائر تشکیل باید داد که هر کدام به تکالیف خاصه خود ، مشغول و اداره دیگری که خارج از وظیفه آن است به هیچ‌وجه دخالت نکند .

محض اثبات این مدعی ، دوایری که تاکنون تأسیس شده ، ذیلا درج می‌نماید تا سرمشق دیگران گردد :

قوه مقننه یا پارلمان صغری - انجمن ایالتی ، هفته [ای] شش‌روز دوساعت از روز گذشته تا ساعت چهار از شب منعقد ، و تمام این مدت جز هنگام تنفس ، در تأسیس قوانین و ترتیب دوائر و نظارت در کلیه امور اجتماعی و اشتراکی و حفظ نظم ادارات قانونی کوشیده ، آن از وظیفه مشروعه خود غفلت و تسامح را روا ندارند ، چند درخت بارآور از این سرچشمه آب زندگانی غرس و آبیاری شده که تازه به ثمر و میوه رسیده .

قوه مجریه - به انتخاب دوفتر سردار ملی ، و تصویب انجمن مقدس ،

اداره حکومت و کلیه امورات کشوری از عزل و نصب حکام و حفظ امنیت شهر و غیره واگذار به جناب ... اجلال‌الملک شده ، امروزه مسؤولیت این خدمت بر عهده کفایت ایشان است .

اداره نظمیّه - عجاله\* (۳۰۰) نفر جوان آراسته قوی‌الاعضاء ، با لباس های مخصوص و فرم جدید ، تحت ریاست سالار مؤید به سمت پولیس منظم و برقرار شده . به ضمیمه یک صد نفر اجزاء داروغه ، در حفظ انتظام روز و کشتیک شب ، خدمات خود را انجام داده ، شب و روز در حفظ بازارها و کوچه‌ها مواظبت دارند ، که احدی از حدود خود تجاوز به حدود دیگری ننماید .<sup>۱</sup>

عموم تجار و کسبه شهر تبریز و صاحبان حرفت و صنعت ، در سایه امنیت عمومی با نهایت آزادی به تجارت و کسب دیرینه خود اشتغال دارند . دهقانان که حامل ارزاق و ضامن قوت و آذوقه اهل شهراند ، امتعه خود را از گندم و جو و غیره با نهایت اطمینان خاطر به شهر آورده و مبادله به مایحتاج خویش کرده ، آسوده بی‌ترس و وا همه به مسکن مألوف خود ، عودت می‌نمایند جز قری و دهاتی که در جوار اردوی دولتیان واقع شده‌اند ، اهالی بیچاره آن دهات ، از نداشتن امنیت جانی و مالی دستشان از شهر کوتاه ، جرأت و جسارت حرکت ندارند ، بلکه از بیم چپاول و غارت دولتیان در تلخ‌ترین زندگانی روزگاری بدتر از حال مرگ می‌گذرانند ، و در همان آشیانه تنگ و تاریک خویش ، بر جان و ناموس خود از تعدیات و شقاوت شاه پرستان مثل بید می‌لرزند ، دسته دسته ، فوج فوج ، در این سرمای سخت زمستان ، ترک آشیانه خود نموده ، دست زن و بچه خویش را گرفته به شهر و دهاتی که در تصرف ملت است ، پناهنده می‌شوند .

اگر چه قلم دهقان پرست مساوات ، حق دارد از این نگذرد بیش از این در حال رقت آمیز آنان آغاز کند ، ولی ادای این قرض و دین را به نمرات آتیه موکول نموده ، و فعلاً از موضوع بحث خارج نمی‌شود .

مقصود نشریح اوضاع حالیه تبریز و بیان رفاه حال سکنه آن شهر است . البته هموطنان دوردست بواسطه انتشارات جعلی استبدادیان ، درباره آسودگی اهالی تبریز ، خاطرشان پریشان و نگران خواهد بود ، که از بی نظمی شاید اهالی تبریز از حیث معاش در عسرت و سختی باشند ، بقیه دارد .

در روزنامه ناقور در همین شماره ۱۰ در عنوان اخبار شهری چنین می‌نویسد :  
در شب جمعه ۱۹ شهر صفرالمظفر ، پنج ساعت از شب گذشته ، جلو

در مسجدشاه نارنجکی به زمین زده اند و به کسی آسیبی نرسید ، فقط چند موضع از سنگ های مرمر دیوار را پراکنده است و اعلاناتی به دروازه های نقش جهان زده بودند که عیناً درج می شود :

#### اعلان فدائیان مشروطیت

هر پیشه گمان مبر که خالی است شاید که پلنگ خفته باشد ای مستبدین ، ای اشخاصی که در خیال خیانت به ملت مثل روباه از از گوشه و کنار در فکر حيله و تزويريد ، و می خواهيد ملت بیچاره را خواب خرگوشی داده به دام اندازيد ، گمان می کنید اصفهان خالی ، و مردم بیچاره اند ، البته بدانید حامیان مشروطیت و فدائیان ملت ، با کمال قدرت ، برای جان-فشانی در راه آزادی ، و حریت در این شهر حاضر ، و در کلیه اعمال و افعال این مردم ناظرند ، خوب از خیالات مردم مطلعند . محض اعلان و اطلاع ، مقدمه یکدانه ، نارنجک کوچک بدون اینکه آسیبی به يك نفر رساند ، در جنب مسجد شاه ، در میان تفنگچیان بختیاری ، با مسدود بودن راهها به زمین زده و در شکاف های دیوار مخفی شدیم ، باید هر يك از ساکنین اصفهان از اهالی و مسافر بدانند که هر کس در خیال خیانت با ملت باشد ، و در خط استبداد سیر کند ، بزودی فدائیان بر خیالات او مطلع و با يك نارنجک خانه برانداز بیخ و بنیادش را از روی زمین خواهند کند ، شاه و گدا نزد ما یکسانند ، هر کس دست از خیالات فاسد مستبده خود بردارد ، دوجین نارنجک در خانه خود فرض نماید .

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم

تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال .

امضاء س ... و شرکاء ۱۹ صفر .

ناقور - امروز ما به قوای معنوی ملی امیدوار شدیم ، و اصفهان را نیز در تحت لوای مشروطیت واقعی شناختیم ، زیرا که ممکن نمی دانستیم که با این ملاحظاتی تو در تو که در اصفهان معمول است ، بتوان قانون مشروطیت و عدالت اسلامی را آزادانه مجری داشت . ولی امروز معلوم شد که فدائیان معنوی ملی به هزار چشم نگران هر يك از نقاط مملکت ایران هستند ، و مجال است تا ملاحظه را از میان ملت اصفهان بردارند ، از معاونت مجاهدین ملی دست باز دارند . اگر چه کمال امتنان و تشکر را از ملت اصفهان عموماً و از رؤسای قوم خصوصاً داریم که هر يك در مشروطه خواهی خودداری ندارند ، ولی چیزیکه

اسباب نگرانی خاطر مشروطه خواهان واقعی بود ، فقط همین ملاحظات بیخود بود ، که امیدواریم بواسطهٔ زنک اخباری که درین باب زده شد بعدها این ملاحظات واقع نشود ، و دیگر فدائیان معنوی محتاج به استعمال این قوهٔ ملی نبوده باشند .

استراباد - ۱۷ صفر - حکومت آنجا را که با امیر مکرّم بوده از شهر خارج نموده‌اند ، و تمام استعدادات او را از اسلحه و غیره و همچنین استعداد مالی را حتی تقدیم‌ها و جرائم که در ظرف حکومت خود ، از ملت گرفته بود ، واپس می‌گیرند ، و انجمن ولایتی خود را دایر نموده ، و به شکرانهٔ وصول به این مقصد مقدس تقریباً هفتصد شلیک تفنگ نموده ، و قربانی‌های بسیار از گاو و گوسفند کرده‌اند .

روزنامهٔ عروة الوثقی در شمارهٔ ۲ مورخهٔ ۲۶ صفر چنین می‌نویسد :  
مکتوب از لارستان ، به انجمن مقدس اسلامی شیراز ، که حضرت مستطاب حجة الاسلام و ملاذالمسلمین ، سندالعله و سندالجهادین آقای حاجی آقا سید عبدالحسین مدظله العالی مرقوم فرموده‌اند :

حضور حضار محترم عموم اهل ملت ، و ارباب شریعت ، خاصه سادات عظام و موالی کرام ، بخصوص جناب شریعت مآب آقای حاج علی آقا رئیس انجمن محترم اسلامی و جناب آقا سید احمد علم الهدی زیدت افاداتهما ، معروض می‌دارد که سه چهار هفته می‌گذرد که آنچه از مؤده و بشارت و تیریکات فتوحات اسلام و شکست جنود شیاطین و تسخیر قلاع سبعمجات و بلوکات جوئیم ، و انتقام از قاتل شهداء سعداء مرحومین شیخ حجة الاسلام ، و سیدمعین الاسلام ، آقایگ سگ آنچه به آنجا خبر داده‌ایم ، به هیج وجه معلوم نیست که ازغدر و مکر ارباب پست رسیده باشد ؟ ... ۱ و لباس مخصوص اهل شیراز ، چند هفته قبل ارسال ، و سر ابن زیاد حرامزاده نیز به جهت تشفی قلوب ورثة شهداء اهداء گردید ، آنها را هم حضرات خائفین گویا نرسانیده‌اند . اکنون مجدداً به رسم اجمال اطلاع داده که خاطرهای مبارکه از بعضی وقایع مسبوق و مستحضر شود :

پس از حرکت عسکر ظفر اثر ملت ، به جانب سبعمه و تسخیر آنجا و قتل ابن زیاد ثانی و نظم و ترتیب امورات آنجا ، بحمدالله والمنه به جانب دارابجرد روانه شدند . از آن طرف هم با حضرات کوهستانی حمله به داراب می‌کنند ، و به یک حمله چند نفر از جنود شیطان به اسفل درک نیران می‌رسند ؛ شب دست می‌دهد ، خود یهود زادگان با جماعتی از اعوان از قلعهٔ داراب فرار

اختیار کرده‌اند، اگر چه افواهاً مذکور و مشهور است که یکی از آن حرامزادگان گرفتارجماعت اعراب‌شده و او را به اسلاف کفارخود در نار واصل کرده‌اند، ان شاءالله، امید است که بسی اصل نباشد. و الحمدلله جنود مسعود ملت درداراب باکمال اطمینان‌بال و فراغت‌احوال، در نهایت اعتدال می‌باشند. یک محله از یهود از مشاهده عدالت‌مداری باطوع و الاختیاری اسلام را قبول می‌کنند. و الآن جمعیت ملت قریب پنج هزار در دارابجرد معطل و منتظر رجوع خدمتند؛ و هر چند اراده کرده‌اند که به جهت شیراز حرکت کنند، و اجازه خواسته‌اند، داعی اذن نداده و مترقب اجازه و رخصت جنابان بوده و هستم، که هر گاه از ناحیه جنابان رخصت حاصل شود سپاهیان بیایند. منوط به نظر و تصویب اهالی آنجا، خاصه جنابان است. و اگر از حرامزادگان هم اطلاعی بهم‌رسانیده باشند، ملت پرستان مجاهدین را اطلاع داده که تکلیف خود را در باب توقیف ادارات گمرکات بنادر، اعلانات اکیده و سفارشات شدید، ان شاءالله عما قریب نتیجه کامل خواهد بخشید، و بساب این مداخل کلی هم ان شاءالله بر روی سفیانی بسته خواهد شد، و مجدداً احکام و ارقام حضرات حجج اسلام از عتبات عالیات بر سر عموم مسلمین و بر اعانت و تقویت از ملت و حفظ بیضه اسلام و دفاع مستبدین از نفوس و اعراض و اموال مسلمانان، شرف صدور یافته، و بهر جا اعلان و اشاعه شده؛ و لکن از ترس مکر و غدر اهل غدر اصول آنها فرستاده نشد، بلکه سواد آنها هم چونکه مفصل بود و مجال در دست نبود کذلک، لذا اعلان اجمالی که نتیجه آن احکامات مبارکه بود لفاً ایفاد خدمت شد. اگر چه لعل از طریق بوشهر اصل آن احکامات هم به خود جنابان رسیده و می‌رسد، و ارائه بهر کس نموده و می‌نمایند، والسلام علیکم و رحمة‌اله و برکاته.

اقل خدام الشرع والملة عبدالحسین الموسوی .

رپورت دستخط تلگرافی حجتی‌الاسلام نجف اشرف به اسلامبول به توسط انجمن سعادت ایرانیان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم۔ درعلیه‌به‌توسط‌انجمن سعادت ایرانیان، به‌عموم اتباع ایران مقیمین خارج‌اعلام که سابق، احکام عدیده کتبی، تلگرافاً و شفاهاً در حرمت دادن مالیات به گماشتگان این سفاک ابلاغ نموده، مجدد هم اظهار می‌شود مادامی که مجلس شورای ملی در ایران اقامه نشده، گرفتن تذکره اقامت، و دادن مالیات به مأمورین ایران، و مطلق معاونت به آنها حرام و از مصادیق اعانت این سفاک ظالم است. (محمد کاظم الخراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی). امروز عصر مجلس شورای دولتی در تخت مرمر فوق‌العاده تشکیل شده، وزراء



حاضر و مذاکره کردند که در عنوان فردا نوشته می شود .

روز جمعه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۷ - امروز به مناسبت سیزدهٔ عید مردم مشغول عیش و عشرت بودند . یک نفر از سربازهای سیلاخوری مقتول گردید ، و تفصیل از این قرار است که: دو نفر از سربازهای سیلاخوری نزدیک بهجت آباد گردش می کردند ، یکی از آنها زیاد مست بود ، در این اثناء دو نفر از رعایای خارجه در دورشکه سوار و به شهر می آمدند ، آن بد مست تفنگ به طرف آنها کشیده که « این فرنگی های نجس نباید سوار شوند و من حالا آنها را می کشم . سرباز دیگر که رفیق او بود تفنگ او را می گیرد و می گوید « رفیق نمی دانی چه می گوئی ، اینها مسلمان و رعیت خودمان نمی باشند که اگر آنها را بکشیم کسی مواخذه نکند ، اینها صاحب دارند ، اگر یکی از آنها کشته شود ، به هر قطره از خون آنها یک شهری از ایران خواهند گرفت . » به هر طور بود مانع شده است و دورشکچی آنها شلاق به اسب زده آنها را در برده است ، لکن آن بد مست اوقاتش تلخ می شود ، تفنگ را به طرف سرباز رفیق خود راست کرده و او را فوراً به زمین انداخته ، با اینکه قزاق و گردشی ها اطراف بوده اند ، احدی متعرض قاتل نشده است .

طرف صبح را رفتم منزل جناب آقای حبیبی: درین راه حاجی محمد حسن خان را ملاقات کرده ، قدری با او مذاکره نموده و رفتم منزل جناب آقای حبیبی ، ظهر را در آنجا بودیم . جناب آقای عبدالکریم یزدی که از وکلای مجلس شورای دولتی است آنجا بودند ، آقای شیخ حسین کرمانی پسر مرحوم حاج باقر کرمانی نیز آمد ، و قدری از حالات اعتماد الاسلام ذکر کرد ، که دوباره دختر آقای سید عبدالله را گرفته است . و چندی قبل حکم شده بود او را بگیرند . رفته بود در خانهٔ صدراعظم و پناه به صدراعظم برده است . صدراعظم هم توسط او را کرده است ، فعلاً در خانه نشسته و در را به روی خود بسته با احدی مراوده ندارد ؛ و خیلی بدگفت از این آقای ، و حالات ایشان را ذکر نمود .

جناب آقای عبدالکریم گفت : چون مجلس شورای دولتی که در تخت مرمر منعقد می گردد ، هفته ای دو روز مفتوح است ، روز شنبه و روز سه شنبه و در این دو روز باید به امور مالیه و دفتر حقوق رسیدگی کرد ، لذا عریضه از طرف وکلا به اعلیحضرت همایونی عرض شده که دستخط فرمایند ، وزراء حاضر شوند در مجلس ، و مذاکره نمایند ، علیهذا دیروز طرف عصر مجلس منعقد گردید ، صدراعظم و سایر وزراء حاضر شدند ، لکن در این اثناء سید احمد بهبهانی و حاج علی اکبر بروجردی و چند نفر دیگر از اهل عمایم آمدند ، دم در آنها را مانع شدند ، صدراعظم ملتفت شده گفت: کسی را مانع نشوند ، آقایان هم باشند ، به این جهت حضرات وارد شده ، و در مجلس نشستند . صدراعظم گفت : مقصود از احضار ما چه بود ؟ صدراسلطنه رئیس مجلس گفت : مقصود تبریک حضور اعلیحضرت بود ،

و اظهار اینکه ما از پادشاه عادل خود ، نهایت تشکر را داریم ، الخ. سعدالدوله می گوید: این آقایان مطلب خود را اظهار نمی کنند ، و گویا تغییر در کلام و مقصود خود دادند ، حاضرین تصدیق می کنند . سید احمد بهبهانی و حاج علی اکبر پروردی و طفیلی ها و طفیلی ها می گویند : مطلب خود را بگوئید ، ما هم مستمع و گوش می دهیم . صدالسلطنه می گوید : بلی ما مقصود داریم ، ما می خواهیم بگوییم امنیت نداریم ، مملکت مفشوش و درهم است . صدراعظم می گوید : مملکت در نهایت امنیت است ، مال کدام يك از شماها را بردند، مگر در اوایل سلطنت مرحوم ناصرالدین شاه را در خاطر ندارید که چه قدر مفشوش بود ، ولی حالا بحمدالله همه جا امن و نظم برقرار است ، بلی اصفهان قدری خراب است ، آنهم بواسطه خرابی بختیاری ها است ، رشت هم بواسطه سپهدار ، و اطراف شیراز هم بواسطه سید لاری است ، دیگر مطلبی نیست . یکی از حاضران می گوید : پس چرا حقوق مردم را نمی دهید ؟ و چرا براتهای سه چهار ساله مردم در بغل آنها مانده است ؟ صدر اعظم می گوید : از جایی مالیات نمی رسد ، و با این مفسدین دیگر چگونه می توان پولی در دست آورد ؟ سید احمد و حاج علی اکبر می گویند : تا این مفسد ها در سفارتخانه و در حضرت عبدالعظیم می باشند ، مملکت امن نخواهد شد ، بروید در سفارت ، آنها را بیرون آورید و مجازات بدهید ، شاه ما اگر چنگیز باشد ما راضی هستیم ، ولی اطاعت از خارجه نمی کنیم . هیاهو در مجلس می افتد ، صدالسلطنه می گوید : ما دیگر حرفی نداریم به مقصود خود رسیدیم. صدراعظم می گوید : در صورتی که صدالعلماء ، این کاغذ را می نویسد به نظر رئیس ایل ، و دست در بغل کرده کاغذی در می آورد ، و نشان می دهد و می گوید : نوشته است البته بیاید که اطراف شاه خالی است ، اگر پانصد نفر سوار بردارید و بیاید کار ساخته است ، البته حرکت کنید، الخ. با اینکه امروزه پنجاه هزار سوار و پیاده زیر اسلحه داریم و می دانند این طور افساد می کنند و کاغذ به اطراف می نویسند ، و مردم را تحریض و ترغیب می نمایند به فساد. شیخ اسدالله اصفهانی ، اذن و اجازه سخن و نطق خواسته ، نطقی مفصل می کند ، که مملکت از دست رفت ، ماها هیچ امنیت نداریم ، شما وزراء مسامحه و ماطله می کنید ، شهرها خراب است ، ایلات بنای سرکشی را می گذارند .

بالاخره صدراعظم می گوید : تکلیف معلوم نشد ، گویا شماها شکایت از حقوق و مواجبهها دارید ؟ حضرات می گویند : خیر مقصود ما این است که ما در این جابر حسب امر اعلیحضرت نشستیم و آنچه اعلیحضرت فرمایند اطاعت می کنیم ، مقصود ما اظهار تشکر از عدالت پادشاه است ، الخ. سعدالدوله می گوید : آقایان مطالب خود را در این مجلس اظهار نمی دارند ، پس خوب است مطالب و مقاصد خود را روی کاغذ آورند ، و در مجلس دیگر ما را بخواهند ، و مطالب را از روی کاغذ بخوانند ، تا ما وزراء هم آنچه می دانیم در جواب روی کاغذ آوریم ، و حضور مبارک اعلیحضرت ارائه دهیم ، آنچه را که میل